

نقدی بر کتاب روان‌شناسی زبان آموز: تفاوت‌های فردی در یادگیری زبان دوم

رضا پیش‌قدم*
آتنا عطاران**

چکیده

یکی از اصلی‌ترین منابع درس روان‌شناسی زبان در رشته آموزش زبان انگلیسی کتاب *روان‌شناسی زبان آموز: تفاوت‌های فردی در یادگیری زبان دوم*، نوشته زلتان درنیه (Zoltan Dornyei) است. نخستین بار این کتاب در سال ۲۰۰۵ منتشر شد و پس از آن در سال ۲۰۱۵ بازبینی گردید و در «راتلج» به چاپ رسید. با توجه به نقش مهمی که حوزه روان‌شناسی در رشته آموزش زبان انگلیسی دارد، در این مقاله تلاش شده است این اثر نقد و بررسی گردد. نویسنده کتاب موردبحث مفاهیم مطرح‌شده در کتاب را به خوبی پیکره‌بندی کرده است؛ اما تأثیرات محیط و جامعه را بر ابعاد روان‌شناسانه زبان‌آموز لحاظ ننموده است. افزون‌براین، نویسنده به تشریح و توضیح نارسای برخی از مفاهیم پرداخته و از مفاهیمی چون هوش هیجانی که خود یکی از اساسی‌ترین مسائل مرتبط به یادگیری و روان‌شناسی زبان دوم است، بهره نبرده است. همچنین، به نظر می‌رسد نویسنده تلاش کرده است بدون اتکا به ابعاد فلسفی مفاهیم مطرح‌شده، به تعریف و تبیین آن‌ها بپردازد و این مفاهیم را به چالش نکشد. به‌طور کلی، محدودشدن اثر به جریان‌های پژوهشی غربی، در نظرنگرفتن عوامل محیطی و فرهنگی و به‌چالش‌نکشیدن مفاهیم ارائه‌شده در کتاب، ذهن مخاطب را بسیار محدود کرده است.

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی، درنیه، آموزش زبان انگلیسی، نقد

*استاد آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) pishghadam@um.ac.ir

**دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران atena.attaran@mail.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۸

۱. مقدمه

بر کسی پوشیده نیست که ظهور علم روان‌شناسی و تبلور این دانش در حوزه‌های علمی گوناگون از جمله آموزش (Philips, 1992; Nyokos & Oxford, 1993)، زبان-شناسی (Aitchison, 1990)، صنعت (Kelley, 1992) و تکنولوژی (Leung, 2007) کمک شایانی به درک عمیق‌تر مفاهیم مرتبط با این حوزه‌ها نمود. افزون‌براین، از آنجایی که زبان ماهیتی ذهنی دارد و گفتار نمود آن ذهنیت است، طی دهه اخیر، روان‌شناسی مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و مدرسان رشته آموزش زبان واقع شده است (Altan, 2006; Horwitz, 2006; Horwitz & Cope, 1986; Peacock, 2001)؛ زیرا، بررسی گفتار گویندگان زبان می‌تواند کلید بسیاری از سؤالات بی‌پاسخ در زمینه زبان باشد.

گفتار افراد ریشه در نگرش آن‌ها دارد؛ اما نمی‌توان انکار کرد که نگرش افراد نیز تحت تأثیر شرایط و حالات روحی و شخصیتی آن‌ها می‌باشد؛ بنابراین، با مطالعه شرایط روحی و شخصیتی افراد می‌توان به نگرش آن‌ها که تأثیر بسزایی در یادگیری نه‌تنها زبان اول، بلکه زبان دوم دارد، پی برد؛ از این رو، روان‌شناسی زبان به‌طور خاص، سعی دارد با بررسی مسائل مربوط به شخصیت، هوش، استعداد و غیره، راهکاری برای سهولت یادگیری و تدریس زبان به‌ویژه زبان دوم فراهم آورد (درنیه، ۲۰۰۵: Xi). یکی از کتاب‌هایی که در این حوزه مورد توجه بسیاری از استادان و دانشجویان رشته آموزش زبان انگلیسی قرار گرفته است، *روان‌شناسی زبان آموز: تفاوت‌های فردی در یادگیری زبان دوم* می‌باشد. نویسنده این کتاب در تلاش است به تفاوت‌های فردی زبان‌آموزان بپردازد و با بررسی موشکافانه این تفاوت‌ها نگرش معلمان و مدرسان زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم (English as a foreign language) را متحول سازد تا با نگاهی متفاوت به باورهای سنتی پیشین بتوانند تصمیمات درست‌تری در مورد شرایط و نحوه تدریس خود اتخاذ کنند (درنیه، ۲۰۰۵: Xi).

شایان ذکر است که در حال حاضر این کتاب، یکی از اصلی‌ترین منابع درس روان‌شناسی زبان در رشته آموزش زبان انگلیسی در ایران است که توسط بسیاری از استادان در دانشگاه‌های مختلف تدریس می‌شود و بسیاری از کارشناسان زبان و زبان‌شناسی کاربردی از آن بهره می‌گیرند.

با توجه به نکات مطرح‌شده اهمیت روان‌شناسی زبان و این کتاب، به‌نظر می‌رسد واکاوی دقیق و عمیق این اثر می‌تواند به خوانندگان و علاقه‌مندان تصویری بهتر ارائه

نماید؛ بنابراین، در این پژوهش سعی آن است که نقاط ضعف و قوت این کتاب از ابعاد مختلف ظاهری و محتوایی بررسی شود.

۲. نگاهی به پیشینه آموزشی و پژوهشی نویسندگان

دهه ۱۹۸۰ میلادی را می‌توان سرآغاز کار زلتان درنیه مجاری به‌عنوان زبان‌شناس کاربردی دانست. این دهه که مصادف با اوج افکاری چون جهانی‌شدن زبان (language globalization) بود، شرایط را برای وی فراهم ساخت تا به‌طور جدی‌تری حرفه تدریس را دنبال کند. زلتان درنیه با به‌کارگرفتن شیوه‌های مختلف تدریس و تلفیق آن‌ها با یکدیگر توانست در آن دوران صاحب‌نام شود و همین ذوق و علاقه او را به تحصیل در مقطع دکتری سوق داد. در مقطع دکتری، درنیه به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال بود: «چرا برخی از متغیرها در آموزش زبان مؤثر هستند؟». وی باور داشت آموزش زبان باید اصولی انجام شود. سرانجام، او در مقطع دکتری در شاخه روان‌شناسی زبان مشغول به تحصیل شد؛ زیرا، این گرایش را نزدیک‌ترین گرایش به نظریه‌های یادگیری زبان دوم می‌دانست. او حوزه پژوهش خود را به توصیه استاد راهنمایش (Pléh) معطوف به انگیزه کرد و در این راستا، از نظریات گاردنر (Gardner) بسیار بهره برد و در سال ۱۹۸۸ از رساله‌اش با محوریت انگیزه دفاع کرد. مطالعات آغازین وی در زمینه انگیزه ریشه در تفکرات گاردنر -بهترین مدل آن زمان از حیث نظری و روش تحقیق- داشت؛ اما چند سال بعد، درنیه دریافت که نظریات گاردنر تمامی جوانب انگیزه را از جمله نقش معلم، نقش برنامه درسی و تغییرات انگیزه در بر نمی‌گیرد. در سال ۱۹۹۰ که بورسیه کشور کانادا شد، توانست با چهره‌های نامدار آن زمان چون کلمنت (Clément)، نونلز (Noels) و مک‌ایتتایر (MacIntyre) آشنا شود و اولین کار مشترک خود را با آن‌ها در قالب مقاله‌ای با عنوان «مطالعه کلاس‌محور انگیزه» (A classroom-oriented study of motivation) منتشر کند. در سال ۱۹۹۸، این سه نفر مفهوم تمایل به برقراری ارتباط (Willingness to communicate) را در حوزه آموزش زبان دوم معرفی کردند و پس از آن، درنیه بیش از ۶۰ مقاله را با محوریت انگیزه در یادگیری زبان دوم به چاپ رسانید. همچنین، وی نویسنده کتاب‌هایی چون آموزش و پژوهش در انگیزه (Teaching and researching motivation, 2001)، روان‌شناسی زبان‌آموز: تفاوت‌های فردی در یادگیری زبان دوم (۲۰۰۵)، نگرش‌های زبانی و جهانی‌شدن زبان (Language attitudes and language globalization, 2006) و پویایی‌های مبتنی بر انگیزه (Motivational dynamics, 2015) می‌باشد. همچنین، در

سال ۲۰۰۷، در حوزه روش تحقیق کتاب روش‌های تحقیق در زبان‌شناسی کاربردی (*Research methods in applied linguistics*) را به چاپ رسانید که با استقبال خوبی روبه‌رو شد. در حال حاضر، وی پژوهشگر و مدرس دانشگاه ناتینگهام است و همانطور که به آن اشاره شد، انگیزه و بررسی تأثیر آن در یادگیری زبان دوم اولین دغدغه پژوهشی اوست. از دیگر حوزه‌های موردعلاقه پژوهشی وی می‌توان به رابطه اعتقاد به سرنوشت و یادگیری زبان دوم اشاره کرد.

۳. معرفی کتاب روان‌شناسی زبان آموز

روان‌شناسی زبان آموز یکی از آثار درنیه است که مورد توجه بسیاری از محققان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به زبان‌شناسی کاربردی می‌باشد که اولین نسخه آن در سال ۲۰۰۵ به چاپ رسید. در آغاز، نکته قابل توجه این کتاب عنوان آن است که به‌طور خاص، بر زبان‌آموزان تمرکز می‌کند و همین مورد بود که کتاب را در زمان خود برجسته ساخت و آن را تبدیل به کتابی به‌روز و متفاوت کرد.

این اثر، کتابی بدون تصویر است که طراحی و رنگ جلد آن که تلفیقی از رنگ‌های قهوه‌ای و اخراپی می‌باشد. همچنین، در ابعاد کوچک است که ممکن است توجه زیادی را به خود جلب نکند. کیفیت فنی کتاب خوب است. نوع خط و کیفیت چاپ آن با استانداردهای روز همخوانی دارد. حروف چینی، فاصله خطوط، فاصله بین اجزای جمله (کلمات، افعال، قیود، و صفت‌ها) همگی بدون اشکال هستند و نمودارها و جداول از وضوح خوبی برخوردارند. اشکالات املایی و ویرایشی نیز در متن کتاب به چشم نمی‌خورد.

کتاب که در ۸ فصل و ۲۷۰ صفحه نگارش شده، که با تاریخچه مختصری از تفاوت‌های فردی، روند تکوین مفهوم تفاوت‌های فردی و طبقه‌بندی این تفاوت‌ها آغاز می‌گردد. فصل دوم کتاب به بررسی تمایزهای موجود میان مفاهیم شخصیت (Personality)، مزاج (Temperament)، و خو (Mood) پرداخته است. در ادامه فصل اشاره شده است که با توجه به یافته‌های اندک در زمینه مزاج و خو، محوریت کتاب بر شخصیت بنا نهاده شده است. سپس مدل‌های مختلف مطالعه شخصیت عنوان شده‌اند و نویسنده به تبیین آن‌ها در یادگیری به ویژه یادگیری زبان پرداخته است. در آغاز فصل سوم نویسنده به بررسی مفهوم استعداد زبانی پرداخته است و روند پژوهش‌های مرتبط با آن را در دهه ۹۰ بررسی کرده است. سپس آزمون‌های مرتبط با سنجش استعداد زبانی

را معرفی و ویژگی‌های هریک را بیان کرده است. همچنین نمونه‌ای از هر یک از این آزمون‌ها در کتاب موجود است و لبعاد زبانی مورد سنجش این آزمون‌ها مورد بحث قرار گرفته است. مسائل مورد تحقیق در پژوهش‌های سنتی همچون تاثیر متغیرهایی چون سن، زبان اول و هوش در مقابل رویکردهای جدید نسبت به استعداد زبانی قرار داده شده‌اند. فصل چهارم کتاب تحت عنوان انگیزه و خود انگیزی (Self-motivation) است. نویسنده در اولین پاراگراف صفحه ۵۶ این چنین می‌نویسد:

«به نظر می‌رسد که بحث و بررسی استعداد زبانی باید با بحث در مورد یکی دیگر از متغیرهای اصلی تفاوت‌های فردی که نقش مهمی در موفقیت یادگیری زبان دارد دنبال شود و آن متغیر انگیزه است.»

سپس در ادامه همان بخش مقدمه در صفحه ۵۷ می‌گوید:

«این فصل متمایز از دیگر فصل‌های این کتاب است چون زمانی که من مباحث فصل‌های دیگر را بیان می‌کنم همچون ناظری مطلع از موضوع می‌باشم که به گردآوری پیشینه پژوهش‌های دیگر محققان پرداخته است اما این فصل کتاب حوزه تحقیقات خودم است. از زمانی که در اوایل دهه ۸۰ دانشجوی دوره دکتری بودم تا کنون به بررسی رابطه انگیزه با دیگر مولفه‌های یادگیری زبان پرداخته‌ام.»

لذا، در ادامه فصل سه فاز در تحقیقات انگیزه می‌پردازد. دوره اول، دوره روانشناسی اجتماعی است که متکی بر نظریات گاردنر، کلمنت و آزمون AMTB است. دوره بعد از آن، دوره شناختی (Cognitive-situated period) است که در آن نظریه خودمختاری (Self-determination) و نظریه اسناد (Attribution Theory) مطرح شد. در نهایت، دوره فرآیندگرا (Process-oriented period) است که در نیه به معرفی و تحلیل مدل انگیزه خودش و اُتو (Otto) می‌پردازد. پس از آن، برخی مفاهیم جدید در حوزه انگیزه را مرور می‌کند که از میان آن‌ها می‌توان به بی‌انگیزی، خود تعیین‌گری (Self-regulation)، عصب‌شناسی انگیزه اشاره کرد. این فصل با توضیحات تکمیلی و مفصلی در مورد انگیزه در زبان دوم و نقش آن در یادگیری ادامه می‌یابد که بیشتر متاثر از یافته‌های پژوهش‌های در نیه است. در فصل پنجم کتاب، شیوه‌های یادگیری و شناختی معرفی شده‌اند. در راستا با این مفاهیم به مدل‌هایی نظیر مدل شیوه‌های یادگیری کلب (KOLB) و پرسشنامه‌های مرتبط اشاره شده است. فصل ششم راهبردهای یادگیری زبان و خود تعیین‌گری را در بر می‌گیرد. شرح مختصری از طبقه‌بندی‌های راهبردهای

یادگیری بیان می‌شود و نویسنده نگاهی به تحقیقات مرتبط دارد. پس از آن، مسائلی چون راهبردهای مورد استفاده زبان‌آموزان در فرهنگ‌های مختلف مطرح می‌شود اما متأسفانه با وجود اینکه این مبحث می‌توانست کمی مفصل‌تر مورد بحث و بررسی قرارگیرد نویسنده تنها به یک پاراگراف بسنده می‌کند. با این‌که با خواندن عنوان فرعی «راهبردهای یادگیری در میان فرهنگ‌ها» انتظار می‌رود نویسنده حداقل به ذکر چند نمونه از تفاوت‌های میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف در به‌کارگیری راهبردها بپردازد اما این قسمت تنها با مثالی از مهاجران شوروی پایان می‌یابد. نویسنده در ادامه این بخش به تاثیر جنسیت، رشته تحصیلی و برخی دیگر از متغیرهای تفاوت‌های فردی در استفاده از راهبردهای یادگیری می‌پردازد. آزمون‌های مرتبط برای سنجش راهبردها نیز همچون فصل‌های پیشین معرفی شده است و در راستا با آن مسائل مربوط به خود تعیین‌گری مورد بحث قرار می‌گیرد.

فصل هفتم که در واقع آخرین فصل مرتبط با تفاوت‌های فردی تحت عنوان کلی دیگر ویژگی‌های زبان‌آموز می‌باشد. عناوین مورد بررسی در این فصل اضطراب، خلاقیت، تمایل به برقراری ارتباط، عزت نفس و باورهای زبان‌آموز است. در انتهای کتاب فصل ۸ است که تنها دو صفحه دارد و همان‌طور که از عنوان آن مشهود است صرفاً به منظور نتیجه‌گیری نهایی در کتاب جای داده شده است. صفحات ۲۵۳-۲۲۱ کتاب به منابع، ۲۵۷-۲۵۳ به واژه‌نامه، ۲۶۴-۲۵۷ به فهرست نویسندگان و ۲۷۰-۲۶۴ به فهرست عناوین اختصاص داده شده است ولی اثر فاقد فهرست اشکال، نمودارها و پرسشنامه‌ها می‌باشد.

در آغاز، برای درک بهتر از ساختار و محتوای کتاب مقدمه را که تصویری از زیربنای کتاب است، بررسی و تحلیل می‌کنیم. در مقدمه، درنیه (۲۰۰۵: ۳) متذکر می‌شود که:

«این کتاب به دنبال بسط مفاهیم تفاوت‌های فردی است؛ بدین مفهوم که او می‌کوشد پا را فراتر از تعاریف سنتی بگذارد و به آن دسته از ویژگی‌های زبان‌آموزان که پیش‌تر به آن‌ها توجهی نشده، از جمله انگیزه، خلاقیت، استعداد زبانی و اعتقادات آن‌ها بپردازد.»

با این وجود، درنیه اصول بنیادین کتاب را بر پایه تفاوت‌های فردی که قبلاً پیتر اسکهان (Skehan) و پیتر رابینسون (Robinson) بیان کردند، بنا نهاده است (درنیه، ۲۰۰۵: xii). نویسنده در صفحه ۳، نخستین هدف از نگارش کتاب را شفاف‌سازی مفهوم متغیرهای تفاوت‌های فردی می‌داند. او معتقد است:

«بررسی و مطالعه این متغیرها در پژوهش‌های زبان دوم با مشکل مواجه شده است؛ زیرا، متغیرهای تفاوت‌های فردی، از نبود انسجام نظری رنج می‌برند؛ بنابراین، در برخی از پژوهش‌های پیشین توضیحاتی گنگ یا پیچیده درمورد آن‌ها ارائه شده است و او در این کتاب می‌کوشد در هر فصل، متغیرهای گوناگون تفاوت‌های فردی را تعریف کند و ابزار سنجش آن‌ها را معرفی نماید تا بتوان این متغیرها را اندازه‌گیری کرد.»

دومین هدف نویسنده کتاب، نشان‌دادن تأثیرهای بسزای متغیرهای فردی در یادگیری زبان دوم است که معتقد است تا آن زمان رابطه عمیق متغیرهای فردی و یادگیری زبان دوم به‌طور کامل بررسی نشده است؛ بنابراین، با توجه به دو هدف اصلی نویسنده از نگارش کتاب، به نقد و بررسی محتوی کتاب می‌پردازیم.

۴. تحلیل محتوایی کتاب روان‌شناسی زبان آموز

با مطالعه کتاب می‌توان هم‌راستا با پیکره‌بندی و محتوای آن، به سه نکته مثبت و اساسی اشاره کرد: اول اینکه، از نظر منبع شناختی، استفاده کافی از منابع پایه دلدسترس در حوزه فراگیری زبان دوم و استفاده از این منابع در حوزه روان‌شناسی زبان آموز است. اغلب منابع استفاده شده در زمره منابع اساسی هستند. مثلاً آثار مولفانی چون اسکهان (Skehan) و پیتر رابینسون (Robinson) و اندرسون (Anderson).

دوم اینکه، با توجه به هدف اول کتاب، نویسنده کوشیده در هر فصل تعریفی از مفهوم موردنظر ارائه دهد و مهم‌تر اینکه به تاریخچه آن اشاره کرده است. این ویژگی کتاب به ذهن خواننده نظم می‌بخشد و خواننده به درکی هرچند ابتدایی از دلایل معرفی و مطالعه مفهوم موردنظر می‌رسد. نظریه‌ها و رویکردها به صورت روندی تکاملی بیان شده‌اند و عناوین کلی فصول با عنوان فرعی هر فصل همسو و سازگار هستند. همچنین، نویسنده در پایان هر فصل کوشیده است تا در بخش نتیجه‌گیری خلاصه‌ای از مطالب یادشده در فصل را ارائه نماید و گاهی نظر شخصی خود را در رابطه با آن موضوع بیان کند. به‌علاوه، وی در هر فصل از کتاب، پرسشنامه یا مقیاسی برای اندازه‌گیری ذکر کرده است که کاملاً در راستای اولین هدف از نگارش کتاب می‌باشد؛ به‌عنوان نمونه، فصل دوم (صص ۲۹-۱۰) به شخصیت اختصاص داده شده است. پس از بیان مقدمه کوتاه یک صفحه‌ای، در صفحه ۱۱، درنیه به تعریف شخصیت پرداخته است. سپس، در صفحه ۱۲ کتاب رویکردهای گوناگون به شخصیت را مطرح کرده و

در صفحه ۱۵ پرسشنامه شخصیت کاستا و مک‌کرا (Costa and McCrae) را ارائه نموده است. در نهایت، صفحات ۲۹ و ۳۰ پایان مبحث می‌باشد که نتیجه‌گیری این فصل در این صفحات است و در پاراگراف آخر صفحه ۳۰، در نیه نظر خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«به‌طور خلاصه، فکر می‌کنم گفته دیوال و فرنهام (۱۹۹۹) زمانی که می‌گویند: «موفقیت پژوهش‌های اخیر در پی‌بردن به روابط میان شخصیت و بیان شفاهی زبان، می‌تواند کمک شایانی به رابطه مهم و فراموش‌شده زبان‌شناسی کاربردی و روان‌شناسی شخصیت کند»، درست است؛ زیرا، نتایج حاصل از پژوهش‌ها می‌تواند تأثیرهای بسزایی بر هر دو گروه داشته باشد.»

سوم اینکه، با توجه به هدف دوم کتاب، در نیه در هر فصل با ذکر تحقیقات پیشین سعی کرده تا حدی ذهن خواننده را درباره آنچه تا آن زمان انجام شده، روشن سازد و با توضیح و تفصیل، نقش و تأثیرهای احتمالی این متغیرها را بیان کند؛ بنابراین، در هر فصل کتاب تعداد زیادی از مقالات یا پژوهش‌های پیشین ذکر شده است تا نویسنده بتواند خواننده را راحت‌تر قانع کند. افزون‌براین، در بخش انتهایی نتیجه‌گیری هر فصل، مانند مثال پیشین، در نیه سعی دارد تا بر اهمیت و تأثیر متغیرهای فردی بر یادگیری صحنه بگذارد.

با توجه به اینکه این کتاب در توضیح و تشریح برخی از مفاهیم همچون انگیزه بسیار موفق بوده است، اما رعایت برخی از نکات می‌توانست کتاب را بسیار متمایز سازد؛ بنابراین، از نقاط ضعف کتاب که قابل تأمل می‌باشد، می‌توان به پنج نمونه اشاره کرد: اول اینکه، همانطور که پیش‌تر به آن اشاره شد، اثر مذکور به لحاظ تعداد منابع استفاده شده غنی است. کتاب شناسی آن بالغ بر ۵۵۰ عنوان کتاب و مقاله دارد؛ اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که محققان این پژوهش‌ها، تحقیقات خود را در کجا انجام داده‌اند؟ آیا این پژوهش‌ها در کشورهای اروپایی و آمریکایی و بر روی زبان‌آموزان این کشورها انجام شده‌اند؟ آیا از تحقیقاتی که در کشورهای آسیایی انجام شده، استفاده شده است؟ در صورت استفاده از مطالعات آسیایی، این تحقیقات چند درصد از محتوای کتاب را به خود اختصاص داده‌اند؟ در پاسخ به این سؤال‌ها باید گفت منابع بسیار زیاد این کتاب را منابع اروپایی و آمریکایی تشکیل داده‌اند و تعداد انگشت‌شماری از آن‌ها تحقیقات آسیایی هستند که عموماً در کشور ژاپن انجام شده‌اند؛ به‌عنوان مثال،

۱۸ نمونه از منابع کتاب به آکسفورد (Oxford)، ۱۸ نمونه به مک‌ایتتایر (McIntyre)، ۱۱ نمونه به گاردنر (Gardner)، ۱۲ نمونه به ارمن (Ehrman) و ۲۸ نمونه به درنیه اختصاص داده شده‌اند؛ اما در مقایسه با این نویسندگان آمریکایی و اروپایی، تنها ۴ نمونه از آثار متعلق به یاشیما (Yashima)، ۳ نمونه متعلق به ساساکی (Sasaki) و ۲ نمونه متعلق به ناکاتا (Nakata) که نویسندگان آسیایی هستند، می‌باشد. از دیگر نویسندگان آمریکایی و اروپایی که در این کتاب از مطالعات آن‌ها استفاده شده است، می‌توان به سواين (Swain)، استرن‌برگ (Sternberg)، سلینکر (Selinker)، رابینسون (Robinson)، میلر (Miller) و غیره اشاره کرد. افزون بر این، نکته دیگری که در اینجا مشهود است ارجاع به آثار متعدد یک مؤلف (که عموماً اروپایی و آمریکایی هستند) است. همانطور که می‌بینیم، کتاب *روان‌شناسی زبان‌آموز در بردارنده آثار بسیاری است* که توسط نویسندگان آمریکایی و اروپایی نوشته شده‌اند. بنابراین، با توجه به اینکه این کتاب نتوانسته مطالعات بین‌فرهنگی (Cross-cultural studies) را به خوبی جمع‌آوری و سامان‌دهی کند، آیا می‌تواند دریافت درستی از مفاهیم از جمله شخصیت در کشورهای آسیایی را ارائه کند؟ برای شفاف‌شدن این موضوع نمونه‌ای از صفحه ۱۷ کتاب را ذکر می‌کنیم که نویسنده بخشی از ارزیابی شخصیتی کاستا و مک‌کرا (۱۹۹۲) را بدین صورت ذکر کرده است:

• زمانی که تصمیم درست می‌گیرم، به خود مغرور می‌شوم.

• سعی می‌کنم با تمام افرادی که می‌بینم، متواضعانه برخورد کنم.

با توجه به این جملات افراد باید تعیین کنند که چه قدر مطابق این جملات رفتار می‌کنند. اما پاسخ یک ایرانی، انگلیسی، لهستانی، هندی یا چینی به این سؤال‌ها چیست؟ آیا پاسخ آن‌ها به این سؤال‌ها برگرفته از شخصیت این افراد است یا تحت‌تأثیر فرهنگ جامعه آن‌ها می‌باشد؟ آیا در فرهنگ ایران به خود مغرور شدن پسندیده است؟ یا در فرهنگ ایران افراد باید در برابر همه تواضع نشان دهند؟ پیش‌قدم (۱۳۹۳) که در بخشی از پژوهش خود، به بررسی تفاوت‌های دنیای شرق و غرب پرداخته و هم‌عقیده با هال (۱۹۷۶) است، رفتار افراد را در جامعه تحت‌تأثیر بافت آن جامعه می‌داند. در واقع، افراد در جوامعی با بافت فرهنگی غنی (High-context culture) رفتاری متفاوت از افراد جوامعی با بافت فرهنگی ضعیف (Low-context culture) دارند. به بیان دیگر، «فرهنگ اجتماع، باعث ایجاد باورفکری شده و این باور تولید رفتار می‌کند» (پیش‌قدم، ۱۳۹۲: ۲)؛ بنابراین، تفاوت در پاسخ به این سؤال‌ها ممکن است به دلیل

تأثیرپذیری افراد از جامعه‌شان باشد؛ نه به دلیل شخصیت فردی‌شان؛ اما در کتاب موردبحث اشاره‌ای به این موضوع نشده است.

دوم، ذکر نشدن مطالعات بین‌فرهنگی و مقایسه‌ای خواننده کتاب را ترغیب می‌کند تا به مفاهیم و متغیرهای تفاوت‌های فردی از دید یک فرد غیر ایرانی نگاه کند. به بیان دیگر، چون نویسنده کتاب فردی غیر ایرانی است و پژوهش‌های یادشده در کتاب از جنس پژوهش‌های بیگانه (Etic studies) هستند، خواننده این کتاب بدون اطلاع از تأثیرهای محیط و جامعه بر شکل‌گیری شخصیت افراد آن، الگوی مناسب رفتار را براساس یافته‌های آن‌ها استخراج می‌نماید و رفتار غیر ایرانی را درست‌ترین و مناسب‌ترین رفتار تلقی می‌کند. این در حالی است که محقق این نوع مطالعه معمولاً نمی‌تواند درک درستی از آنچه می‌بیند، داشته باشد و در نتیجه، تعمیم نظریه‌های کتاب به غالب زبان-آموزان صحیح نیست. در اینجا غیر ایرانی بدین معناست که فردی از بیرون (به‌طور مثال، درنیه) به درون (مفهوم شخصیت در جامعه ایران) نگاه می‌کند. در مقابل پژوهش‌های بیگانه، در پژوهش‌های خودی (Emic studies)، فردی از درون جامعه (به‌طور مثال، فردی ایرانی) به تحلیل مسائل درون می‌پردازد و غالباً چون فرد متخصص، مسائل را به خوبی درک و دریافت کرده است، می‌تواند فهم و درک بهتری از یک پدیده ارائه دهد؛ به‌طور مثال، در ایران انتظار می‌رود افراد از رک‌گویی دوری کنند و منظور خود را غیرمستقیم بیان کنند. در این فرهنگ انتظار می‌رود شنونده یا خواننده منظور مخاطبش را درک کند و نویسنده یا گوینده خود را مسئول نمی‌داند (پیش‌قدم و عطاران، ۲۰۱۲).

حال آنکه در فرهنگ غرب، افراد به بی‌پروا و مستقیم سخن‌گفتن تشویق می‌شوند. در این صورت، اگر فردی غربی به مطالعه گفتمان دو ایرانی بپردازد (بیرون به درون) ممکن است، ایرانیان را افرادی خجالتی یا کمرو بداند که بسیار پیچیده سخن می‌گویند. این در حالی است که اگر همین پژوهش توسط یک ایرانی (درون به درون) انجام شود، نتیجه این چنین نخواهد بود؛ بنابراین، مقوله پژوهش نه‌تنها موضوع‌محور بلکه فرهنگ-محور نیز می‌باشد (پیش‌قدم، ۱۳۹۳) که در کتاب موردبحث از آن چشم‌پوشی شده است و نویسنده مطالب را صرفاً از نظر موضوعی طبقه‌بندی نموده و به تقسیم‌بندی فرهنگی نپرداخته است.

سوم، درنیه نخستین هدف از نگارش کتاب را شفاف‌سازی مفاهیم متغیرهای فردی می‌داند؛ اما به نظر می‌رسد نویسنده خود در تحقق این هدف موفقیتی نسبی کسب کرده

است و در برخی از موارد به هدف خود دست نیافته است؛ به‌عنوان نمونه، در صفحه ۷۶ کتاب که در زمینه نظریه خودمختاری می‌باشد، نوشته شده است:

«نظریه خودمختاری بر انواع مختلف انگیزه‌های بیرونی و درونی تأکید می‌کند که یکی از نظریه‌های تأثیرگذار در روان‌شناسی، انگیزه است و محققان حوزه زبان دوم بسیار کوشیده‌اند تا با ترکیب بخش‌هایی از نظریه به توصیف انگیزه در زبان دوم بپردازند. داگلاس براون از افراد برجسته‌ای است که بر اهمیت انگیزه درونی در کلاس‌های زبان تأکید می‌کرد ...»

آیا با خواندن این پاراگراف می‌توان به درکی از مفهوم خودمختاری رسید؟ در پاراگراف بعد درنیه چنین می‌گوید:

«در سال ۱۹۹۰، کیم نوئل به‌همراه لوک پلتر و رابرت والراند - دو چهره شاخص در نظریه خودمختاری - با به‌کارگیری نظریه خودمختاری تعدادی پژوهش انجام دادند که منجر به ایجاد برنامه تحقیقاتی منظمی گردید ... این محققان دو هدف اصلی را دنبال می‌کردند: (۱) مرتبط‌کردن اجزای مختلف انگیزه‌های درونی و بیرونی به تحقیقات زبان دوم؛ (۲) مطالعه چگونگی تغییرات خودمختاری با توجه به تمرین‌های کلاسی.»

به‌نظر می‌رسد، در این بخش درنیه نه‌تنها مفهوم خودمختاری را توضیح نداده است، بلکه از بحث اصلی دور شده و به حواشی مبحث خودمختاری بیشتر پرداخته تا خود نظریه؛ بنابراین، چگونه می‌توان از خواننده انتظار داشت به درک درست و عمیقی از نظریه خودمختاری برسد. این در حالی است که درنیه در مقدمه کتاب صفحه ۳ می‌گوید: «به نظر من، مشکل بزرگ در به‌کارگیری متغیرهای شخصیت این است که به اندازه کافی انسجام نظری ندارند.»

در صفحه ۵۶ همین کتاب، نویسنده به توضیح حافظه فعال (Working memory) و حلقه واج‌شناختی (Phonological loop) پرداخته است و از ذکر تمایز آن‌ها با حافظه کوتاه‌مدت که بخش مهمی از مبحث به‌شمار می‌رود، غفلت ورزیده است: «حافظه مؤثر، حافظه‌ای است که به‌طور موقت اطلاعات را که به‌نظر می‌رسد برای انجام دیگر فعالیت‌های شناختی ضروری است، ذخیره و اداره می‌کند» (درنیه، ۲۰۰۵: ۵۵).

پس از خواندن این جملات، این پرسش به ذهن متبادر نمی‌شود که حافظه کوتاه‌مدت چیست؟ اگر حافظه فعال اطلاعات را به‌طور موقت نگاه‌داری می‌کند، تفاوت آن با حافظه کوتاه‌مدت چیست؟

علاوه بر این، نویسنده به برخی از مطالب بنیادین همچون هوش و روان‌شناسی خود (Self-psychology) بسیار سطحی نگریسته و تنها به ذکر عناوین بسنده کرده است. وی در رابطه با مفاهیمی چون هوش، که زمانی یکی از اصلی‌ترین متغیرهای ایجاد تمایز میان افراد و زبان‌آموزان بوده است، گذرا توضیح داده است. در این راستا، همچنین، در نیه به مفاهیمی چون هوش هیجانی که یکی از اساسی‌ترین مسائل مرتبط با یادگیری و روان‌شناسی زبان دوم است، پرداخته و تأثیرهای این مفهوم را در آموزش زبان انگلیسی بیان نکرده است؛ بنابراین، همانطور که ذکر شد، در این کتاب برخی از مفاهیم ناتمام رها شده‌اند.

چهارم، با نگاهی به کتاب چنین دریافت می‌شود که گویی نویسنده نسبت به بیان برخی از مباحث توجه بیشتری داشته است؛ به عنوان نمونه، فصل «انگیزه» مفصل‌ترین مبحث کتاب (۶۰ صفحه) می‌باشد که نویسنده در این فصل در مقایسه با دیگر فصول جزئیات بسیاری را بیان کرده است. این در حالی است که فصل ۷ که ۲۰ صفحه می‌باشد، در بردارنده ۵ متغیر تفاوت‌های فردی انگیزه، خلاقیت، تمایل به برقراری ارتباط، عزت-نفس و اعتقادات زبان‌آموز است که به طور متوسط، به هریک از این مفاهیم ۴ صفحه اختصاص داده شده است. افزون‌بر این، نویسنده در مقدمه کتاب انگیزه را مهم‌ترین متغیر تفاوت‌های فردی می‌داند؛ بدون آنکه از هیچ منبعی یا پژوهشی یاد کند که خود ادعایی بزرگ است. هرچند در نیه در صفحه ۸ کتاب می‌نویسد: «در بخش‌هایی از این کتاب ادعاهای بزرگی مطرح کردم و خودم به این موضوع واقف هستم و می‌دانم که بیان این ادعاها ممکن است اختلاف نظرهایی به همراه داشته باشد.»؛ اما این طور به نظر می‌رسد که نویسنده از همان ابتدا می‌کوشد ذهن خواننده را برای اهمیت فصل انگیزه کتاب که رساله دکتری وی بوده است، آماده سازد.

از دیگر مسائل مهمی که می‌توان به آن اشاره کرد، بعد فلسفی کتاب است. خواننده با تاریخچه مختصری از مفاهیم ارائه شده آشنا می‌شود؛ اما بعد فلسفی این مفاهیم در ذهن او بی‌پاسخ می‌ماند. در این کتاب در نیه بیان نمی‌کند که مفاهیمی چون انگیزه، هوش و استعداد در دوران کدام باور و مکتب فلسفی به بلوغ رسیده‌اند و تأثیر آن افکار بر این مفاهیم چه بوده است؟ آیا به رشد آن‌ها کمک کرده‌اند؟ یا برای مدتی پژوهش‌های مرتبط با آن موضوع را متوقف ساخته‌اند؟ پیش‌زمینه‌های ظهور این مفاهیم چه بوده‌اند؟ و سؤالات دیگری از این دست. افزون‌بر این، در این کتاب مسائل انتقادی اصلاً مطرح نشده است و این طور به نظر می‌رسد که نویسنده در پی آن بوده است که مفاهیم را با

نظمی الگوریتمی ذکر کند و از به‌چالش کشیدن آن‌ها اجتناب کند که این خود خلاً بزرگی در کتاب است.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب *روان‌شناسی زبان‌آموز: تفاوت‌های فردی در یادگیری زبان دوم*، اثر درنیه که از منابع مطالعاتی بسیاری از دانشجویان و محققان ایرانی و غیر ایرانی است، اطلاعات نسبتاً خوبی درباره تاریخچه مفاهیم مرتبط با روان‌شناسی زبان‌آموز در حوزه یادگیری زبان دوم در اختیار خواننده قرار می‌دهد؛ اما باید در نظر داشت این کتاب به جنبه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر زبان‌آموزان نپرداخته است. همچنین، نویسنده این اثر به جریان پژوهشی تأثیرگذار بین فرهنگی اشاره نکرده است که دلیل آن می‌تواند نقص در ابزار مطالعه بین فرهنگی با محوریت غرب‌گرایی باشد. نویسنده در تبیین و توصیف پاره‌ای از مفاهیم موفق نبوده و آن‌ها را ناتمام رها کرده است. همچنین، ابعاد فلسفی مفاهیم و چگونگی تبلور آن‌ها به صورت سؤال‌هایی بی‌جواب در ذهن خواننده باقی مانده است. به دلایلی که مطرح می‌شود، اساتید به استفاده از این اثر به‌عنوان کتاب درسی دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی باید توجه داشته باشند: اول اینکه، نویسنده کوشیده است مفاهیمی را که قبلاً به شکل نامنظم توسط دیگر پژوهشگران و محققان ارائه شده بود، به شکل منظم و منسجم گردآوری و ارائه نماید. وی در انجام این مهم تاحدی موفق بوده و با زبان قابل فهم و علمی تلاش نموده است تا مفاهیم مهم روان‌شناسی را هرچند به صورت ابتدایی اما به‌طور مدون ارائه نماید؛ از این رو، به نظر می‌رسد این کتاب برای آشنایی مقدماتی با برخی از مفاهیم روان‌شناسی مناسب باشد که البته نمی‌توان از آن به‌عنوان تنها منبع درسی در مقاطع کارشناسی ارشد بهره جست. دوم اینکه، از نویسنده کتاب حوزه روان‌شناسی که مبنای کار خود را بر تفاوت‌های فردی قرار داده است، انتظار می‌رود بکوشد با خوانندگان متفاوت (چه از حیث شخصیت و چه از حیث ملیت) با کتاب خود نیز ارتباط برقرار کند و آن‌ها را درگیر مطالب کتاب سازد. در این راستا، درنیه می‌توانست با طرح چندین پرسش خوانندگان کتاب را به‌چالش کشد و یا آن‌ها را به موضوعاتی برای پژوهش‌های آینده رهنمون سازد؛ اما وی بدون هیچ توجهی به این نکته هرفصل کتاب را به‌تمام رسانیده و فصل بعدی را آغاز کرده است.

علاوه بر این، از آنجایی که کتاب نگاه انتقادی و بومی به مفاهیم روان‌شناسی ندارد، پیشنهاد می‌شود استادان در بهره‌جستن از این مبانی در کلاس کوشا باشند و با به-

چالش کشیدن مفاهیم این کتاب از حیث فرهنگی، نگاه انتقادی و بین‌فرهنگی را در دانشجویان تقویت نمایند.

همان‌گونه که پیش‌تر عنوان شد، این کتاب با رویکردی غربی و با نگاه «غرب دانشمند و همه‌چیز دان» نوشته شده است و به باور ما، در میان خطوط این کتاب نگاه استعماری و استبدادی نویسنده هرچند به شکل ظریف یا ناآگاهانه مشاهده می‌شود؛ از این رو، توصیه می‌شود استادان ایرانی به نگارش کتاب‌های روان‌شناسی مطابق با فرهنگ و بافت ایرانی نشأت گرفته از مفاهیم ایرانی و اسلامی که در تفکر ایرانیان جاری و ساری می‌باشد، همت کنند و در این زمینه هویت‌سازی نمایند.

منابع

پیش‌قدم، ر. (۱۳۹۲). معرفی «زباهنگ» به‌عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان. فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، ۴، صص. ۶۱-۴۷.

پیش‌قدم، ر. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی روش‌های جمع‌آوری داده در مطالعات زبانی: گامی به‌سوی بومی-سازی روش تحقیق در ایران. جستارهای زبانی، ۲(۱۸)، صص. ۷۰-۵۵.

- Aitchison, J. (1990). Language and mind: Psycholinguistics. In N.E. Collinge (ed.), *Encyclopaedia of Linguistics* (pp. 333-337). London: Croom Helm.
- Altan, M. X. (2006). Beliefs about language learning of foreign language-major university students. *The Australian Journal of Teacher Education*, 31(2), 45-52.
- Dornyei, Z. (2005). *The psychology of the language learner: Individual differences in second language acquisition*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Hall, E. T. (1976). *Beyond culture*. New York: Anchor Press/ Doubleday.
- Horwitz, E. K., Horwitz, M. B., & Cope, J. (1986). Foreign Language Classroom Anxiety. *The Modern Language Journal*, 70(2), 125-132.
- Kelley, R. E. (1992). *The power of followership: how to create leaders people want to follow and followers who lead themselves*. New York: Currency Book.
- Leung, L. (2006). Unwillingness-to-communicate and college students' motives in SMS mobile messaging. *Telematics and Informatics*, 24(2), 115-129.
- Nyikos, M., & Oxford, R. (1993). A Factor Analytic Study of Language-Learning Strategy Use: Interpretations from Information-Processing Theory and Social Psychology. *The Modern Language Journal*, 77(1), 11-22.

- Peacock, M. (2001). Pre-service ESL teachers' beliefs about second language learning: a longitudinal study. *System*, 29(2), 177-195.
- Phillips, E. M. (1992). The Effects of Language Anxiety on Students' Oral Test Performance and Attitudes. *The Modern Language Journal*, 76(1), 14-26.
- Pishghadam, R., & Attaran, A. (2012). Rhetorical patterns of argumentation in EFL journals of Persian and English. *International Journal of Research Studies in Language Learning*, 2(1), 81-90.